

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: فرح نوتاش

۰۵ سپتمبر ۲۰۱۹

در سالگرد فاجعه نسل کشی از آگاهی و آزادی در تابستان ۶۷

زنده باد همبستگی بین المللی در نفی و نقد جنگهای امپریالیستی تحمیلی،

علیه مبارزات طبقاتی ملل به پا خاسته ایران و جهان!

با یاد و نام به خون خفتگان راه رهایی و آزادی و برابری انسان ، همه آزاد زنان و مردان و جوانانی که جان برکف به تروریسم دولتی و سیاست های فاشیستی آنان و حامیان جهانی ، نه گفتند و در استقلال و آگاهی جان باختند و لکه ننگی تاریخی بر چهره پلید آنان نشانند.

انسانهای آگاه ، دوستان گرامی،

ملیت های تاریخی ساکن در ایران بین دو تیغه مخرب یک قیچی به دنبال راه حلی برای برون رفت از آن هستند! یکی از این دو ، دولت ایالات متحده امریکا است که متحدین ستراتیژیکش؛ فرانسه، انگلیس، ایتالیا، المان، اسرائیل و عربستان، ... یعنی بیش از ۶۰ دولت وابسته و هم بسته ، آمادگی خود را در حمایت از پرچمدارشان دولت امریکا در "تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران"، اعلام نموده اند.

تیغه دیگر سیستم فاشیستی مذهبی سرمایه داری در ایران است که با حمایت و پشتیبانی تیغه اول و در پی یک انقلاب خونین و همگانی، اعتراضات طبقاتی و اجتماعی را با نسل کشی از آگاهی و به کار گیری ماکیاولیسم اسلامی، سرکوب و ارعاب نموده و توانسته است با کسب و اعمال قدرت، بر هستی و نیستی همه موجودات انسانی و طبیعی جغرافیای ایران وحشیانه حکم رانده و براند .

در میان این دو تیغه به هم پیوسته، زندانی به وسعت ایران قرار دارد که درونش هزاران زندان تو در تو، مهندسی و برپا نموده است و به کار برده می شود.

به بندکشیده شدگان اما به رهایی می اندیشند و عمل می کنند.

در تمام این دوران سیاه سلطنت الهی، اقشار مختلف جان به لب رسیده ایران با مبارزه و مداومت و مقاومت، آگاهانه ترین شیوه های مسالمت آمیز اعتراضات و اعتصابات خیابانی و در محل های کار را طی نموده و دادخواهی کرده است. فریاد رسی نبوده است و نخواهد بود. صاحبان قدرت و حافظان و پاسدارانشان غرق در قدرت، درفساد و چپاول و غارت و...، پاسخی جز گسترش فضای رعب و وحشت، گروگانگیری، زندان و شکنجه ، زر و زور و تزویر، اعتراف گیری، اعدام و ترور، نداده اند.

در طی دورهٔ تکامل انگلی و مخرب ۴۰ ساله، طبقهٔ سرمایه داری نوینداده شبه فاشیستی ایران (شتر- گاو- پلنگ و آوازادگان) با همدستی و پشتیبانی دستگاه رهبری نظام دینی فاشیستی حاکم و دولت هایش و دولت روحانی شید، با پشتوانهٔ قوای سه گانه و پاسداران مزدور و سایر نیروهای هار و سرکوبگر، تکامل یافته اند و حاکم اند.

طبقهٔ نوینداده سرمایه داری اسلامی و نهادهای تکامل یافته اش درمرداب چپاول و غارت، فساد و فحشای سیاسی، با پشتوانهٔ توافقات و معاملات اقتصادی و نظامی و رسانه ئی دولتهای امپریالیستی سود برنده از بحران های ناشی از تحریم اقتصادی و جنگ و شرایط جنگی در منطقهٔ خاورمیانه، تلاش کرده اند که با استفاده از هر وسیله و ابزار و طرفدی کنترول جامعه یعنی کنترول نیروی کار و مولدین، خلافت دانش آموختگان، امنیت و آگاهی و آزادی طبقات اجتماعی را به نفع سهامداران واقعی قدرت و ثروت و سرمایه در ایران و جهان به دست آورند.

در دههٔ ۸۰ و در طی جنگ هشت ساله با عراق، جامعهٔ ایران با ۱.۵ میلیون کشته و زخمی و ویرانی شهرها و زیر ساخت ها... متحمل یکی از بزرگترین فجایع تاریخی عصر حاضر شد. در طول جنگ، هزاران نفر از بهترین فرزندان خلقها در چهار گوشهٔ ایران در جنگهای داخلی در کردستان و ترکمن صحرا، در خوزستان و فارس، در آذربایجان و بلوچستان، در گیلان و مازنداران، ...، به خون کشیده شدند. در پایان جنگ با فرمان خمینی و پرورش یافتگان دامان ننگینش، هزاران نفر زیر شکنجه و اعدام در زندان، با ترور در محل کار و سکونت... به نابودی کشیده شدند. میلیون ها نفر مجبور شدند کشور خود را ترک کنند.

چه گذشت را هر کس به قدر دانش و شعور و تجربهٔ شخصی، می تواند تصویر کند.

فاجعهٔ نسل کشی از آگاهی در قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ نقطهٔ عطف این جنایات علیه بشریت است. این فاجعهٔ تاریخی، این کشتار ها و اختناق و سرکوبگری های وحشیانه فاشیستی بدون پشتیبانی و توافقات طبقات حاکم در سراسر جهان نمی توانست اتفاق بیفتد. فاجعهٔ اتحاد امپریالیسم و ارتجاع! دستان جهان سرمایه داری با هر پرچم و رنگی، با هر مذهب و اندیشه ای، با هر نژاد و ملیتی در خون میلیونها تن از مردم ایران و خاورمیانه و... آلوده است.

نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم!

نه منافع امروز و حیاتی مردم ایران، نه رساندن آب و نان بر روی سفرهٔ خالی میلیونها تن از مردمان، نه همیاری و کمک به میلیونها تن از آسیب دیدگان زلزله و سیل، نه آموزش و پرورش و بهداشت و درمان نجات بخش و آرام بخش، نه بازگرداندن کودکان کار به خانواده و آموزش، نه صدای آزاد معترضان و نه پاسخ انسانی به آن، نه رهائی و آزادی خواهی برای زنان، نه آزادی احزاب و استقلال تشکیلاتی صنفی و سیاسی آنان، نه آزادی خواهی برای کارگران و روشنفکران و دانشجویان و آموزگاران ... زندانی، نه زیر پا گذاشتن حقوق بشر، نه حفظ تاریخ و سنت های باستانی، نه حفظ محیط زیست و منابع طبیعی و انسانی، هیچ یک از این مقولات و ضرورتهای یک زندگی انسانی دلیل از کار افتادن قیچی در این دوران سیاه همکاری و همدستی نبوده و نیست.

نقطهٔ اتکای دوتیغهٔ قیچی برای بریدن، تنها بر بستر توافقات و معاملات مشترک آنان در تقسیم مجدد منافع و سود حاصل از استثمار کار و منابع کانی و معدنی و چپاول و غارت و خرید و فروش آزاد است.

در طی فراز و نشیب های این دوران و در مبارزهٔ طبقاتی جاری، دیوارهای توهم و اعتقاد و باور کور در اکثریت آحاد جامعه فرو ریخته است. دیوار سکوت و ترس و وحشت عمومی دیری است که فرو ریخته است. سلطنت الهی و جمهوری اسلامی اش و تمامی دستگاه های گوناگون حفظ و اعمال قدرتش در افکار و آگاهی عمومی و در رفتار اجتماعی فرو ریخته است.

غول زخمی در بند، بیدار و هوشیار می شود.

با تجارب تاریخی این دوران و در طی دو سال گذشته ، حضور گسترده نیروهای معترض اجتماعی و طبقاتی در صحنه مبارزه؛ به خصوص زنان، کارگران و آموزگاران و دانشجویان، بیشماری از بیکاران و تهی دستان حاشیه نشین و کارتن خواب، موازنه قدرت در ایران را تغییر داده است. تحول و تکاملی بنیادی در مقاومت جامعه در برابر فاشیسم مذهبی و سرمایه به وجود آمده است. جامعه برای کسب حقوقهای معوقه و حق تعیین سرنوشت خود هر روز سازمان یافته تر و هوشیارتر می شود. مردم ایران با رد و نفی هر گونه رفرم و اصلاحات، خواهان تغییرات بنیادی در مناسبات طبقات هستند. تغییراتی که سرنگونی نظم حاکم یکی از دستاوردهای اولیه آن می باید باشد.

با حضور آگاهانه تغییرطلبان در صحنه مبارزه، این سیستم دیگر نمی تواند با توسل به اشکال گذشته اختناق و سرکوب، معترضان را به انصراف بکشانند. منافع استثماری و غارتگرانه داخلی و خارجی که خود از طریق استبداد و عوام فریبی و سوء استفاده از احساسات مذهبی مردمان دردمند تأمین می شد با خطر واقعی بازگرداندن آن در خدمت همه اقشار اهالی و خلع ید از آنان مواجه است.

همین احساس ترس و خطر از شکستن زنجیر مناسبات سرمایه داری در ایران بود که در قیام خونین بهمن ماه [دلو] ، با موافقت و پشتیبانی گروه ۸ از نمایندگان دولتهای جهانی و تخریبگر مناسبات انسانی به اتحاد با ارتجاع فاشیستی خمینی و بیعت کنندگانش که پایگاه مذهبی در همه آحاد اجتماعی داشتند ، انجامید. شاه رفت. خمینی آمد.

همین احساس خطر واقعی است که جهان سرمایه داری را با تجارب تاریخی اش از اتحاد اول ، به تعمق واداشته است. جامعه ایران آبستن تغییر است و هرگونه رفرم و اصلاحات را رد می کند . پیشبرد "سیاست تهدید و تحمیل توافق " در "تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران" مفهومی جز پیشگیری از فروپاشی تمامیت نظام ندارد. مهم این است که نظم سرمایه باقی بماند!

واقعیت این است که همه گونه تهدید در قالب جنگ روانی و فشار سیاسی، تحریم های اقتصادی رهبری، فرماندهان سپاه و ... حتی تدارک و سازماندهی علنی جنگ، تاکتیکهائی هستند در به توافق کشاندن "همه باهم" اما مطیع تر و قانونمادرتر و یا با دامن زدن به بحران درونی نظام، با فروپاشی احتمالی درونی و پدید آمدن نیروهائی تازه نفس تر و کمتر شناخته شده تر، اتحادی در خدمت حفظ نظم سرمایه به وجود آورند. در واقع هرگونه توافق و معامله طرفین، علیه منافع و آینده وسیعترین اقشار کار و زحمت هدایت و اجراء می شود.

علی رغم صف بندی ها و تدارکات و جابه جایی های نظامی و تسلیحاتی در منطقه و ... اما امریکا و هم پیمانانش در پارلمان اروپا و به خصوص آلمان و فرانسه ... و همچنین روسیه و چین نمی خواهند درگیر یک جنگ نیابتی و تمام عیار با جمهوری اسلامی و متحدینش شوند. این عدم تمایل اما هیچ ارتباطی با پاسیفیسم ندارد. برای سهامداران سرمایه جهانی ، همکاری و معامله با دیکتاتوری های غیرانسانی مانند دیکتاتوری پینوچیت در چیلی و مکزیک ... ، خلفای اسلامی در عربستان و ... مادامی که شرایط توافقات برای تقسیم مجدد قدرت ، منابع و منافع تجارت و بهره برداری مشترک وجود داشته باشد، شراکت و همکاری همیشه جذاب تر بوده و است.

روشن تر و مشخص تر از همیشه این است که این همکاری ها و توافق های امنیتی و اقتصادی و جنگهای نیابتی در جریان، نتایجی جز تحمیل ریاضت و ضعف و فقر اقتصادی، بیگاری و بیکارسازی مهندسی شده ، اختناق و تفتیش عقاید سازماندهی شده، گسترش بیماری های فساد و فحشاء و اعتیاد... ، سرکوب عمومی و نسل کشی از آگاهی، تحمیل مهاجرت و تبعید و فرار به مولدین و کارگران و نیروهای علمی و اجتماعی؛ این سرمایه های واقعی جامعه، نداشته است و ندارد.

تغییرطلبان آگاه ایران بیش از هر زمان دیگری با تعمق و حساسیت به موقعیت و شرایط حاکم بر مردم غیرنظامی در فلسطین ، افغانستان ، عراق ، لیبیا، سوریه، کردستان تقسیم شده در عراق و ترکیه و سوریه و دیگر کشورهای درگیر در مبارزه طبقاتی، توجه دارند و از نتایج احتمالی مشابه مطلع هستند. همین توجه و آگاهی است که آنان را به تعمق و بازنگری کشانده است.

از ترس محاصره مردار خواران به مرداب نباید زد. مرداب محل زاد و ولد تمساح است. همصدا با مردم آگاه و به پا برخاسته در ایران، اعلام می کنیم که نظام حاکم هیچ وقت نماینده ساکنان ایران نبوده و نیست. حمایت و پشتیبانی سیاسی و نظامی و توافق و معامله با آنان، زیر پا گذاشتن حقوق انسانی مردم ایران است. دخالت نظامی نیروهای خارجی در ایران، مفهومی جز حمایت و حفاظت از نظم سرمایه و حفظ یکی از حلقه های آن ندارد. جنگ ابزاری برای تحمیل توافق با تغییر رفتار و یا تعویض مهره ها و به قدرت رساندن آلترناتیو های مشابه و مطیع تر و وابسته تر به آنان است.

ما خواهان شکستن هر دو تیغه قیچی و نابودی سایه تحقیرکننده شان از سرنوشت مردمان آگاه و شریف سرزمینمان هستیم.

ما از وسیعترین آزادی های فردی و جمعی و مدنی و جهانی ، از برابری انسان با هر جنسیت و نژاد و مذهب و ملیت، از حق تعیین سرنوشت فرد و جامعه به دست آگاهی خود و ... دفاع و پشتیبانی می کنیم.

بر این باوریم که در موقعیت و شرایط جاری، حمایت از نظم حاکم و تروریسم دولتی در ایران و حتی سکوت در برابر عملکرد ویرانگر تاریخی اش ، نادیده گرفتن خواسته های تکامل دهنده جامعه است. نادیده گرفتن زندگی پر درد و مشقت میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان تحت سلطه نظم جهانی سرمایه و متحدین ارتجاعی و فاشیستی و دیکتاتوری و نظامی حاکم بر سرنوشت آنان است.

بر این باوریم که سرنوشت مردم ایران به سرنوشت دیگر جوامع تحت سلطه استبداد و استعمار و استثمار در منطقه و جهان وابسته است. نجات هر یک فروپاشی زنجیرهای دیگر را رقم خواهد زد.

بر این باوریم که رهائی جامعه ایران از چنگال توافقات ارتجاع و فاشیسم و سرمایه به حضور دخالتگر تک تک انسانها، همه گونه مدعیان آزادی و آگاهی و رهائی ، مدعیان دموکراسی طبقاتی و حقوق بشر، مدعیان کمک و یاری به فراریان و پناهندگان، مدعیان ضد فاشیسم و راسیسم... نیازمند است.

تغییر تاریخ در ایران و جهان به نفع همه گونه انسان ، فقط و فقط با بیداری و هوشیاری و همبستگی ملل ؛ وحدت و تشکیلات و مقاومت و مداومت همگانی آنان شکل می گیرد و عملی می شود.

بر این باوریم که مبارزه و مقاومت تروریسم نیست! مقاومت جرم نیست!

مبارزات رهائی بخش زنان از ستم مضاعف جرم نیست، پایه و اساس رهائی جامعه است!

تداوم نظم فاشیستی حاکم جرم است. جنایت علیه بشریت است.

جنگ و تروریسم دولتی، جرم است! تجارت اسلحه جرم است!

استثمار و استعمار و استبداد جرم است!

دزدی و چپاول و غارت کار و اموال خصوصی و عمومی جامعه جرم است!

سهم بری و دخالت مخرب دولتها در به بند کشیدن جوامع جرم است.

فرار و پناهندگی جرم نیست!

وادار نمودن انسان به پذیرش فرار و پناهندگی جرم است.

اخراج پناهندگان جرم است!

به زندان کشاندن مبارزان فراری و پناهجو و شکنجه روانی و فیزیکی سفید و سیاه و خونین، جرم است!
حمایت و پشتیبانی از مبارزه و مقاومت جوامع برای رهائی، خودآگاهی و مسئولیت پذیری تک تک انسانهاست!
پیروز باد مداومت و مقاومت مبارزات و جنگ طبقات در ایران، المان و جهان!

فراخوان شرکت در گردهمایی

در حمایت و پشتیبانی از مبارزات مردم ایران!
در نفی و نقد تحمیل جنگ و شرایط و موقعیت جنگی بر ساکنان ایران و
دیگر جوامع به پا خاسته در نفی استبداد و استعمار و استثمار!
در نفی و نقد دخالت‌های مخرب علنی و غیر علنی سهامداران نظم جهانی در ایران،
در نفی و نقد نظام حاکم در تغییر مناسبات تهدید کننده حیات اجتماعی،
در خلع سلاح و خلع ید از آمران و عاملان و مجریان دزد و مفسد و جنایتکار
و محاکمه تاریخی آنان!
برای یک زندگی انسانی و آگاهانه و تضمین رفاه و امنیت و آزادی برای همه!
برای آزادی بدون چون و چرای زندانیان سیاسی در بند!
در نفی و نقد هرگونه زندان، شکنجه و اعدام و ترور،
حتی برای آمران و عاملان جنایات بی مکافات و جلادان و... کارگزاران آنان،
حضور آگاهانه و دخالت‌گرانه تک تک ما ضروری است.

Antikriegstag am 11. September 2019

Servatiiplatz Münster

Von 12:00 bis 14:00 Uhr

کانون سیاسی پناهندگان

Verein für politische Flüchtlinge

vfpf@gmx.net

<https://www.facebook.com/Verein-f%C3%BCr-politische-Fl%C3%BCchtlinge-431513153551897/>

<http://www.farhang-enghelab.com/>